

تصویرگر: میترا چرخیان

کاج

دکمه‌های کوچکی را
دوخته با هوسله
روی پینِ دامنش
با هزاران سوزن یک دست و تیز
کاج ریز
گل نشانه بر تن پیراهنش

معصومه مرادی

پیچک غریب

گاه می‌شود
یک گیاه
درس دوستی به ما دهد
بارها
دیده‌ام
پیچکی غریب را که سال‌ها
دست‌های فسته‌اش
رو به سوی آسمان بلند بود
اوبه ابر کوچکی علاقه‌مند بود
زهرامحدثی خراسانی

در آینه

ساکت و عبوس
بی‌سلام و حرف و فنده پاشدی
از چه دلفوری
حال تو چرا بد است
ای که افم کرده‌ای به من در آینه
صبح زود
از کدام دنده پاشدی؟

فاطمه سالاروند

آرزوی سنگ

باد با شتاب رفت
سنگ ماند
رود هم قدم زنان گذشت
رفت و برگشت
رود
شعر بودن گیاه را سرود
باد دانه کاشت
سنگ فکر کرد کاش
مثل شافه‌ها جوانه داشت

جعفر مقیمیان

همراه

ماه
شب
یک دعا
پنجره فولاد تو
پنجره آسمان
بعد از آن
صبح زود
همومه عابران
اشک و نسیم و نماز
یک نفر
هاجرت خود را گرفت
پشم دلش، باز باز

مرضیه تاجری

چشم به راه

ریل‌های قهوه‌ای سلام!
پس چرا نمی‌رسد قطار تیرماه؟
چشم من به راه؛
من؛
بستنی فروش ایستگاه

مهدی مرادی